

جستاری در تبارشناسی انقلاب اسلامی ایران

در سی‌امین سال پیروزی آن

□ دکتر حمید انصاری

تبیین ماهیت انقلاب اسلامی ایران از دو دیدگاه متضاد دارای اهمیت فراوان است؛ از منظر مدافعان انقلاب اسلامی، شناخت عمیق ماهیت انقلاب و عوامل شکل‌گیری نهضت و تبدیل آن به انقلاب سراسری و نهایتاً علل پیروزی آن و کوشش برای بازشناسی هویت و تبار بزرگترین انقلاب دینی و اسلامی معاصر است که موجب تحول بنیادین اجتماعی و فرهنگی در ایران و سبب پیدایش نظام نوین سیاسی و دینی به نام جمهوری اسلامی در این کشور گردید که ابعاد این انقلاب بزرگ بر بخشهایی وسیع در جوامع اسلامی و فراتر از آن در سطح جهان تأثیری شگرف بر جای نهاد. از نگاه منتقدان و مخالفان انقلاب اسلامی نیز، تلاش برای فهم چرایی پدیده انقلاب اسلامی و کشف علل و عوامل ظهور آن بدان امید حائز اهمیت بوده است که از این رهگذر راهکارهای مهار آن را جستجو کنند و از تبدیل آن به نهضت سراسری در جهان اسلام و حتی دیگر پیروان ادیان الهی و پیدایش انقلابهای اسلامی مشابه در دیگر سرزمینهای اسلامی جلوگیری کنند.

از اینرو، علیرغم سرعت و شتاب غافلگیرکننده پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ در ایران که سبب شد تا در جمع مدافعان آن، فرصتی برای تحلیل ماهیت انقلاب اسلامی و نظریه‌پردازی پیرامون آن فراهم نیاید و در اردوگاه مخالفان انقلاب نیز به دلیل ناتوانی در پیش‌بینی

ابعاد گسترده تأثیر آن در آینده ایران و جهان اسلام، تا آن زمان توجه چندانی از سوی فیلسوفان و جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان انقلابها و محافل علمی به این پدیده نوظهور معطوف نگردید؛ اما به تدریج با تشکیل ساختارهای نظام نو تأسیس جمهوری اسلامی در ایران به عنوان اولین اثر مهم سیاسی انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن در جامعه ایران و خصوصاً پس از آشکار شدن ابعاد گسترده صدور پیامهای انقلاب اسلامی به سایر جوامع و به چالش کشیدن نظام دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیسم (قبل از فروپاشی بلوک شرق) از ناحیه تشکیل گفتمانی نیرومند در قالب اندیشه سیاسی و فرهنگی «نه شرقی، نه غربی» و در پرتو ترویج تفکر بازگشت به ارزشهای معنوی و دینی مبتنی بر هویت مستقل اسلامی و ارائه مدلی نوین از نظام حکومت دینی خارج از چارچوبهای رایج در عرصه نظامهای سیاسی معاصر، به تدریج موضوع پدیده انقلاب اسلامی ایران در متن تلاشهای محافل علمی قرار گرفت.

تاکنون مطالعات و پژوهشهای فراوانی در هر دو مجموعه مدافعان و منتقدان انقلاب اسلامی انجام یافته است و نظریه‌های گوناگون با داورها و رهیافتهای مختلف در تبیین ماهیت انقلاب و علل و عوامل آن از رهیافت اقتصادی گرفته تا نگرشهای مبتنی بر رهیافتهای اجتماعی، تاریخی، سیاسی و امنیتی و یا فرهنگی در قالب کتابها و مقاله‌ها و پژوهشهای علمی ارائه گردیده است.

در اردوگاه دوستان انقلاب اسلامی مطالعات ارزشمندی در بیان ریشه‌ها، زمینه‌ها، علل و عوامل پیدایش و تداوم انقلاب اسلامی به عمل آمده و آثار، نشریات و ویژه‌نامه‌های مفیدی نیز انتشار یافته است چنانکه در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و خصوصاً در پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه مذکور) واحدها و دپارتمانهایی برای مطالعه در همین حوزه تشکیل گردیده است که یافته‌های خویش را به صورت کتاب و نشریات علمی و یا از طریق همایشهای متعدد منتشر کرده‌اند. مقایسه تطبیقی انقلاب اسلامی با سایر انقلابها نیز مورد توجه بسیاری از اندیشه‌مندان قرار گرفته و آثار فراوانی نیز در همین موضوع منتشر شده است که فهرست این آثار را می‌توان در سه جلد اثر ارزشمند اخیراً انتشار یافته از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به نام کتاب‌شناسی توصیفی انقلاب اسلامی ملاحظه نمود.

در سال سی‌ام انقلاب اسلامی در مقام نقد اجمالی آثاری که تاکنون در حوزه تبیین ماهیت انقلاب اسلامی و ریشه‌ها و انگیزه‌ها و علل آن منتشر شده است می‌توان گفت که در قریب به اتفاق آثار پدید آمده، جای خالی تحلیل انقلاب اسلامی از منظر طراح و بنیانگذار و رهبر کبیر آن کاملاً به چشم می‌خورد.

در این مقاله کوتاه بر آنم تا در حد اشارت و به اختصار نظر پژوهشگران را به وجه تمایز اساسی انقلاب اسلامی با دیگر انقلابهای معاصر و ویژگیهای آن از نگاه امام خمینی (سلام‌الله‌علیه) معطوف سازم.

شناخت ماهیت انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی از آنرو برای حامیان آن اهمیت مضاعف می‌یابد که امام در وصیتنامه خویش می‌فرماید: «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است».

معمار کبیر انقلاب اسلامی چکیده یافته‌های علمی و تجربی خویش را در قالب وصیتنامه سیاسی و الهی بیان کرده است. ایشان در رساترین عبارت، نظر خویش در باب مقایسه انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلابها را اینچنین بیان فرموده است: «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام».

امام خمینی در فرازهای قبل از بیان مذکور با برشماری واقعیات جامعه ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که از هر جهت فراهم‌سازی شرایط برای ظهور و پیروزی یک انقلاب سراسری را براساس معیارهای عادی و طبیعی ناممکن می‌ساخت براین باور عمیق قبلی است که: «این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد الله اکبر و فداکاریهای حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد».

این باور که انقلاب اسلامی «یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است» و اینکه «اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است» و اینکه این انقلاب «ودیعۀ الهی» و «امانت الهی» و در تداوم حرکت انبیاء (ص) و «پرتوی از نهضت عاشورا» بوده است نه تنها در وصیتنامه امام بلکه در سرتاسر آثار سیاسی و پیامها و گفتارهای ایشان نمود بارز دارد.

متأسفانه ایمان به غیب و اعتقاد به امدادهای غیبی (در صورت حصول شرایط آن) که بنا به نص قرآن کریم یکی از ارکان اصول اعتقادی مسلمانان است پس از غلبه گفتمانهای ماده پرستی غربی و تحلیل مسائل هستی و جهان و انسان صرفاً با نگاه طبیعی و اومانستی محض از متن نگرشها و بینشهای روشنفکرانه در جوامع اسلامی به حاشیه رفته و حتی به محاق فراموشی سپرده شده است. تفاوت منطق انبیاء در دست زدن به قیام علیه طواغیت و نظامها و روابط ظالمانه و شرک آلود زمانه خویش با سایر جنبشها و نهضتهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی، «قیام الله» بوده است.

انگیزه، روش، هدف و مقصد، عناصر تعیین کننده در واکاوی وجوه تمایز نهضت انبیاء با دیگر نهضتها می باشند. خاستگاه حرکت انبیاء انجام اوامر و تکالیف الهی و بر کشیدن نگاه انسان از عالم ناسوت و طبیعت به عالم ملکوت و حقایق عالم غیب و حقیقت هستی بوده است. ترویج توحید و آیین عبودیت و برقراری حکومت الله مستلزم مبارزه با حکومت طاغوت و نفی و طرد آن از رهگذر قیام الله می باشد. حاکمیت اسلام و احکام نورانی آخرین دین الهی جز از مسیر تشکیل حکومت اسلامی با هدایت سکانداری مدبر، عالم و مهذب با شاخصهایی که خدای متعال برای امامت انسانها معین فرموده است و با فداکاری امت و نقش آفرینی مردمانی مؤمن که با طیب خاطر دست بیعت به هادی و امام خویش داده باشند امکان پذیر نیست. قیام برای دنیا و مال و منال و قدرت و مکت هیچ جایگاهی در نهضتهای انبیاء نداشته است.

مطلع نخستین بیانیه سیاسی امام خمینی با آیه شریفه «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله»

آغاز می شود.



معمار انقلاب اسلامی رمز پیروزی انقلابی را که خود پایه‌گذاری کرده است در وصیتنامه خویش چنین بازگو می‌کند: «رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد [است]».

خوشبختانه تحلیلگرانی که به قصد یافتن راههای مقابله با انقلاب اسلامی درصدد کشف رموز پیروزی انقلاب اسلامی برآمده و نظریه‌پردازی کرده‌اند از فهم ماهیت مبانی غیبی انقلاب اسلامی و انگیزه مذکور عاجزند و دقیقاً به همین دلیل نیز با وجود آنکه قوی‌ترین قدرتهای اقتصادی و سیاسی و نظامی جهان رسماً برای مهار دامنه نفوذ انقلاب اسلامی و نابودی آن تلاش می‌کنند ناکام مانده‌اند.

بر حامیان انقلاب اسلامی و خصوصاً نسل جوان و نسلهای آینده آن است که این پیام شفاف امام خمینی را همواره متذکر باشند که فرمود: «اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است».

امام خمینی «ایمان و اطمینان به غیب» را از ویژگیهای ملت ایران در کوران انقلاب اسلامی دانسته و همین انگیزه را «رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف» معرفی کرده است.

بازشناسی ماهیت انقلاب اسلامی و بیان وجوه تفاوت و تمایز آن با سایر انقلابها وظیفه نسل اول انقلاب است و قطعاً تضمین تداوم انقلاب و بقای آن در گرو استمرار همان انگیزه و مقصد با ضمانتنامه محتوم الهی یعنی وحدت کلمه است و مهمترین آسیب و آفت این راه نیز تفرقه بنیان برافکن و فراموش کردن هدف و روی آوردن به انگیزه‌های نفسانی و شیطانی و غیر الهی است.

در سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی شایسته است که همه احزاب و جناحهای مدافع این ودیعه الهی یکبار دیگر به متن آموزه‌های معمار کبیر انقلاب مراجعه کنند و شعارها و مطالبات و

تبلیغات خویش را در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با معیارها و موازینی که امام خمینی در تبیین اهداف و مقاصد و رموز پیروزی انقلاب اسلامی و رمز بقای آن فرموده است تنظیم کنند به گونه‌ای که برآیند اقدامات و تبلیغاتشان نهایتاً به ترویج این وصیت امام در جامعه بیانجامد که فرمود: «به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان حجم تحمل زحمتهای و رنجها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن پیاخاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدۀ توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام انبیای عظام - علیهم سلام الله - و اولیای معظم - سلام الله علیهم - برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد.... شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیا - علیهم سلام الله - و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می‌کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل» می‌دانند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی